

بسم الله الرحمن الرحيم

طمع‌های رژیم یهود در افریقا را تنها دولت خلافت متوقف خواهد کرد

(قسمت اول)

(ترجمه)

کفار استعمارگر با سوء استفاده از غفلتی که امت دچار آن شده بود، توانستند خلافت اسلامی و رژیم سیاسی امت اسلامی را سرنگون سازند؛ پناهگاهی را که امت به آن پناه می‌برد، رکن اساسی و محکمی که با آن خود را در برابر دشمنان محافظت می‌نمود. کفار استعمارگر خنجر مسمومی را بر پیکر امت فروبرده و امت را به پنجاه و چند پارچه، قطعه قطعه نموده است. برای این که به حالت تفرقه، دسته‌دسته بودن امت به گروه‌های خورد و کوچک تداوم بخشد، برای نهادینه ساختن ضعف در میان امت و برای ایجاد دشمنی و درگیری میان نظام‌هایی که موجودیت و سیاست آن‌ها وابسته به کفار غربی است، رژیم یهود را در قلب سرزمین‌های اسلامی تأسیس نمودند. انتخاب فلسطین برای این نیست که کوره آتش درگیری‌ها خاموش شود، چون فلسطین دارای ابعاد عقیدوی، تاریخی و سیاسی می‌باشد.

اشتباک و تمایل یهود برای تحقق باورها و معتقدات وهمی و ساختگی آن، باعث و محرک بزرگی برای دست‌یافتن یهود به منافع پلید آن می‌باشد تا غرب بتواند یهود را به عنوان ابزاری برای ضربه زدن به امت اسلامی مورد استفاده قرار دهد. دولت‌های استعماری کاملاً می‌دانند که یهود توانای رو در رویی با مسلمانان و توانایی حفظ بقایی خویش را ندارد؛ آن‌گاه که ملیت‌های گوناگون امت اسلامی، از هر جهت مانند دریا هجوم آورده و از هر طرف بر یهود بتازند. کفار استعمارگر رژیمی را برای یهود در سرزمین مبارک فلسطین تأسیس نموده، اسباب زندگی را برایشان فراهم نمودند، آن‌ها را با قوی‌ترین سلاح‌ها مجهز، با فنی‌ترین اسلایب و شگردهای تمدنی و نظامی تقویت و از طریق حمایت نظام‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی امنیت شان را تأمین نمودند و خیانت و سر به زبری این نظام‌ها، باعث شده که یهود به دیگر سرزمین‌های اسلامی چشم بدوزد.

اینک در مورد طمع‌های یهود در افریقا و سبب توجه آن به این قاره بکر و جوان، تبصره‌ای خواهیم داشت:

قاره افریقا همواره مورد توجه دولت‌های استعماری بوده است، از جمله فرانسه، انگلیس، بلجیک. این طمع کاری‌ها از چندین قرن پیش می‌باشد، اما پرسش این است که چه چیزی قاره افریقا را مورد توجه و طمع جنگجوی‌های استعمارگر قرار داده است؟

اهمیت قاره افریقا هم در گذشته و هم در حال حاضر اسباب و علل زیادی دارد، مثلاً از ناحیه اقتصادی سرشار از منابع و درآمد طبیعی می‌باشد؛ طوری که مواد اولیه در آن به وفور موجود است، مانند انواع گازهایی که منبع سوخت و ساخت و ساز است؛ بر علاوه مواد دیگری مانند قهوه، کاکائو، مطاط (درختی است که از آن کاه و چوب ساخته می‌شود) و میوه‌های ستوائیه (گرم سیر).

همان‌طور از لحاظ منابع و درآمد معدنی آفریقا بزرگ‌ترین تولید کننده می‌باشد. مواد معدنی مانند: فاسفیت، طلا، منگنیز، کوبالت، آهن و دیگر مواد معدنی مهم در بخش صنعت، البته بر علاوه الماس بیش از حد آفریقا؛ طوری که سنجش‌ها حاکی از آنست که 30% کل منابع و درآمد استخراج شده‌ای معدنی زمین در قاره آفریقا می‌باشد.

همان‌طور از لحاظ منابع نفتی، آفریقا نیز بزرگ‌ترین قاره‌ای می‌باشد که بیشترین دولت‌های تولید کننده نفت را در پیکر خود دارد؛ طوری که آفریقا 21 دولت تولید کننده نفت دارد. آفریقا در حال حاضر 11% از تولیدات نفت جهان را تولید می‌نماید؛ چیزی که حدوداً معادل به 80 الی 100 بشکه نفت خام است. همان‌طور بر حسب گزارشات و سنجش‌های سازمان ملل در خصوص توسعه و تجارت، آفریقا مقدار زیادی از ذخایر نفتی را در اختیار دارد که بسا اوقات در حد 10% از ذخایر نفتی جهانی می‌رسد. می‌توان مناطق تولید کننده نفت این قاره پر برکت را به چهار منطقه تقسیم نمود:

اول: مناطق شمالی آفریقا که شامل پنج دولت تولید کننده نفت: مصر، لیبی، تونس، الجزائر و مراکش می‌باشد.

دوم: مناطقی شرقی و وسطی آفریقا که شامل سودان، چاد، کنگو(برازاویل) می‌باشد.

سوم: مناطق غربی آفریقا که شامل نیجریه، کامرون، توگو، گانا و ساحل عاج می‌باشد.

چهارم: مناطق جنوبی آفریقا که شامل جنوب آفریقا و زیمبابوه می‌باشد.

حتی در دهه‌ی هفتاد قرن گذشته نیز مناطق شمالی آفریقا در صدر تولیدات این قاره قرار داشت، اما در سه دهه بعدی وضعیت اقلیمی به نفع مناطق غربی آفریقا تغییر کرد؛ طوری که مناطق غربی آفریقا، بیشترین مناطق نفت خیز آن به شمار می‌رود. البته پس از اکتشافات بزرگ منطقه خلیج کینیا، که 70% تولیدات نفتی آفریقا را به خود اختصاص داده و حجم تولیدات روزانه آن به 9.5 میلیون بشکه می‌رسد؛ مقداری که از مجموع تولیدات ونزوئلا و مکزیک بیشتر است. شاید این چیزی است که متخصصین صنعت نفتی را واداشته که این اقلیم را کویت جدید بنامند. هم‌چنین دشمنی‌های آشکاری را از سوی قدرت‌های بین‌المللی برای استثمار عرصه استخراج و وارد کردن نفت آفریقا مشاهده می‌شود، برای این که این دولت‌ها نیازهای خود را برآورده سازند.

اما از جهت دیگری می‌بینیم که قاره آفریقا تبدیل به بازار مصرفی خوب برای دولت‌های صنعتی شده است، تعداد ساکنین آن از میلیارد می‌گذرد؛ طوری که مجموع ساکنین دو دولت آن مصر- ونیجریه نزدیک به 300 میلیون می‌رسد؛ چیزی که این قاره را به بازار مصرفی مناسبی به صادرات تولیدات دولت‌های صنعتی تبدیل نموده است.

تمام این موارد این قاره پر برکت را سرشار از منابع طبیعی نموده است که اگر از آن بهره‌برداری شود، اقتصاد ملیت‌های آن را کمک کرده و آن‌ها به رشد و شکوفائی می‌رساند. این منابع است که که بیشتر دولت‌های جهانی و منطقوی را واداشته که بر این قاره چشم بدوزند و مشتاق بهره‌برداری از این همه منابع سرسام‌آور شوند؛ علاوه بر تعداد بالای از ساکنین این قاره که بازار مناسبی برای صادرات دولت‌های صنعتی را تشکیل می‌دهد.

البته تنها این منابع نیست که به افریقا اهمیت داده و آن را مورد توجه و طمع کاری بسیاری از دولت‌های جهانی و منطقوی قرار می‌دهد؛ بلکه موقعیت جغرافیایی افریقا نیز از اهمیت استراتژیکی زیادی برخوردار است که افریقا را مهم ساخته است، چون مراکش تنگه جبل الطارق را در اختیار دارد؛ گذرگاه آبی مهمی که کلید غربی بحرالابيض و متوسط به شمار رفته و در تجارت نفت و حرکت سفینه‌های بحری از اهمیت بالای برخوردار است. همان‌طور مصر کانال سوئیس را در اختیار دارد؛ گذرگاه آبی مهمی که در تجارت بین‌المللی و در دریانوردی جهانی از اهمیت بالای برخوردار است. همان‌طور که مصر، جیبوتی و اریتره نیز تنگه باب المندب را در اختیار دارند؛ گذرگاه آبی مهمی که کلید جنوبی کانال سوئیس به شمار رفته و برای تضمین استمرار حرکت دریانوردی کانال سوئیس، از اهمیت بالای برخوردار است. این گذرگاه‌ها بدلیل اهمیت آن‌ها به شکل عام در تجارت بین‌المللی و در دریانوردی جهانی، به قاره افریقا وزنه استراتژیکی بزرگی داده است.

حال پرسش این است که آیا قاره افریقا فقط در گذشته مورد توجه جنگجوها بوده است؟ طبعاً نخیر؛ بلکه این قاره در حال حاضر نیز مورد توجه قرار دارد. می‌بینیم که این قاره به جولانگاه بسیاری از دولت‌های قرار گرفته که در تلاش سیطره بر افریقا، در تلاش بهره‌برداری از سرمایه‌های آن، در تلاش تهدید امنیت برخی از دولت‌های آن و در تلاش حاکمیت بر گذرگاه‌های آبی که افریقا در اختیار دارد، می‌باشند؛ از جمله رژیم یهود غاصب سرزمین مبارک.

مدت زیادی است که رژیم یهود تلاش وارد شدن در افریقا را دارد تا این که اکنون به عنوان عضو ناظر در نشست دولت‌های افریقا راه یافته است. این رژیم توجه زیادی به ایجاد روابط با افریقا دارد، از جمله همکاری در تمام میدان‌های نظامی، زراعتی و صنعتی. فرستادگان و مسئولین بلند پایه‌ای آن همواره در حال دیدار از پایه‌تخت‌های افریقایی می‌باشند؛ چنان‌چه تعداد زیادی از یهود افریقا به فلسطین انتقال یافته اند که در مقدمه آن فلاشا از ایتوبی بود.

توجه این رژیم مسخ شده به افریقا بیهوده نیست؛ چون آب‌های نیل به رهبران این رژیم دغدغه خاطر ایجاد کرده است. از تلاش‌های اخیر رژیم یهود پیوستن به اتحادیه‌ای اروپا به عنوان عضو ناظر بود؛ تلاش پلیدی برای قدم گذاشتن در این قاره پربرکت. بدون شک چیزی که واضح می‌باشد اینست که یهود در نتیجه روابط با دولت‌های افریقا، نیازهای زیاد خود را بر آورده خواهد کرد.

مترجم: محمد علی مطمئن

برگرفته از شماره 434 جریده الرایه